

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۶ - ۱. متعلق ظن در جمله اول - احتمال نهم -
بررسی احتمالات نه‌گانه
تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰
مصادف با: ۴ شعبان ۱۴۴۳
جلسه: ۴۸

﴿اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعْنَ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بین آخرین جلسه بحث تفسیر تا این جلسه فاصله افتاد؛ هم تعطیلات ایام گذشته و هم برخی موانع دیگر؛ به هر حال فاصله‌ای افتاده و لذا به نحو مختصر باید یادآوری داشته باشیم.

بحث در آیه ۴۶ بود که توصیف خاشعین محسوب می‌شود، «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». گفته شد که ظن هم در جمله اول آمده و هم در جمله دوم، سه احتمال وجود دارد؛ یکی اینکه ظن به معنای یقین باشد؛ دوم، به معنای رجاء؛ سوم، به معنای حقیقی خودش. آنچه تقویت کردیم این بود که ظن به معنای علم و یقین است؛ البته این احتمال را هم نفی نکردیم که «یظنون» در جمله اول به یک معنا باشد و «یظنون» در جمله دوم به معنای دیگر؛ یعنی این ممکن است که ظن در «یظنون أنهم ملاقو ربهم» به یک معنا و در «یظنون أنهم الی راجعون» به معنای دیگری باشد؛ مثلاً در یکی ظن به معنای علم و یقین باشد و در دیگری به معنای حقیقی خودش و حتی به معنای رجاء.

همچنین گفتیم متعلق ظن در جمله اول و دوم باید معلوم شود؛ در جمله اول متعلق ظن عبارت است از «ملاقو ربهم». در مورد ملاقات الرب چندین احتمال وجود دارد؛ هشت احتمال را ذکر کردیم.

احتمال نهم

علاوه بر این احتمالات، یک احتمال دیگر هم می‌توان اینجا ذکر کرد که ملاقات الرب کنایه از بعث و قیامت باشد؛ یعنی اینها به ملاقات پروردگار می‌روند و رجوع به او می‌کنند و حساب و کتاب خودشان را شاهد خواهند بود. پس طبق این احتمال ملاقات الرب یعنی رجوع به محضر خداوند تبارک و تعالی در روز بعث و قیامت، و طبیعتاً محاسبه و مجازاتی که در انتظار آنهاست.

بررسی احتمالات نه‌گانه

بحث در این بود که کدام یک از این احتمالات در اینجا رجحان دارد. برای اینکه بخواهیم یک احتمال را از میان سایر احتمالات ترجیح دهیم، طبیعتاً باید براساس معیارهایی باشد. آن معیارها هم جنبه لفظی دارد و هم جنبه معنوی. از نظر اصول و قواعد ادبی که به این الفاظ مربوط می‌شود، عدم ارتکاب خلاف ظاهر یک معیار است. عدم تقدیر یک معیار است؛ یعنی معنایی را در نظر بگیریم که مستلزم تقدیر - که خلاف اصل است - نباشد. همچنین تناسب معنا با کلمات قبل و بعد؛ اینکه به‌گونه‌ای معنا کنیم که تکرار پیش نیاید؛ چون تکرار جز برای مقاصد خاص از جمله تأکید مورد نیاز،

خلاف بلاغت و فصاحت و مقتضای سخن بلیغ و فصیح است؛ این معیارها، معیارهایی است که می‌توانند به ما کمک کنند برای ترجیح یکی از این احتمالات.

اگر با این معیارها بخواهیم بسنجیم، بعضی از این احتمالات رأساً کنار می‌روند؛ بالاخره باید بعضی از این احتمالات را کنار بگذاریم. اینکه مثلاً یک معنایی را برای «ملاقو ربهم» ذکر کنیم که مستلزم تقدیر باشد؛ مثلاً بگوییم منظور از «ملاقو ربهم» ملاقو حکم ربهم است؛ یا «ملاقو ربهم» به معنای ملاقات اثر الاطاعة أو المخالفة است؛ یا ملاقات ثواب ربهم، یا ملاقات عمله فی قبال ربهم. اینها همه مستلزم تقدیر است؛ لذا چهار یا پنج احتمال بر این اساس کنار می‌رود. چرا به گونه‌ای معنا کنیم که این تقدیرها را مرتکب شویم؟ ملاقات عمله فی قبال الرب، مستلزم تقدیر است. ملاقات ثواب الرب، مستلزم تقدیر است. ملاقات الرب به معنای اینکه خود پروردگار را ببیند، این اگر به معنای رؤیت ظاهری باشد، این خلاف عقل است و محال است؛ رؤیت خداوند ممکن نیست. یا مثلاً بگوییم ملاقات به معنای ادراک است، یعنی درک آن حقیقت؛ این هم درست است که تقدیر نیاز ندارد، ولی مجاز است؛ مثل احتمال دوم که کنایه از مرگ باشد. در احتمال دوم و چهارم تقدیر نیاز نیست، برخلاف احتمال اول، ششم، هفتم و هشتم.

احتمال دوم که بگوییم «ملاقو ربهم» کنایه از مرگ باشد، این را گفتیم مجاز است؛ چون از قبیل ذکر مسبب و ارادة السبب است. به شرح أيضاً در احتمال چهارم که این هم مجاز می‌شود؛ یعنی ذکر السبب و ارادة المسبب، برعکس احتمال چهارم. هر دو مجاز است؛ منتهی یکی ذکر السبب و ارادة المسبب است، چون مرگ سبب برای ملاقات رب است؛ مسبب را گفته ولی سبب را اراده کرده است. در احتمال چهارم که «ملاقو ربهم» را به معنای ادراک بگیریم، اینجا برعکس است؛ یعنی سبب ادراک، اتصال است. لذا «ملاقو ربهم» و ملاقات به معنای اتصال است، منتهی مسبب آن را که ادراک باشد، اراده کرده است. این هم مجاز است؛ بالاخره باید مرتکب مجاز شویم.

لذا از بین این نه احتمال، چهار احتمال مستلزم تقدیر است که خلاف اصل است و کنار می‌رود. دو احتمال هم مستلزم مجاز است و تا مادامی که بتوانیم معنای حقیقی را اراده کنیم، ضرورتی ندارد که سراغ مجاز برویم. بله، مجاز فی نفسه اشکالی ندارد ولی تا مادامی که قرینه‌ای برخلاف ظاهر نباشد و قرینه‌ای بر عدم اراده معنای حقیقی ذکر نشده باشد، وجهی ندارد که مرتکب مجاز شویم. پس فقط دو احتمال باقی می‌ماند؛ یکی اینکه بگوییم «ملاقو ربهم» کنایه از بعث و قیامت باشد؛ دیگر اینکه به معنای قرب باشد. این دو معنا از بین این نه احتمال نزدیک‌تر است و باید این دو را بررسی کنیم.

رجحان دو احتمال بر سایر احتمالات

اگر بگوییم «ملاقو ربهم» کنایه از بعث و قیامت است، درست است که این یک معنای کنایی است ولی باز هم نسبت به معنای قبلی و احتمال چهارم و دوم شاید بهتر باشد، اما لازم‌آش این است که تکرار در این آیه پیش آید؛ چون اگر «ملاقو ربهم» کنایه از بعث و قیامت و حساب و کتاب باشد، در جمله بعد که فرموده «و یظنون أنهم إلیه راجعون»؛ رجوع الی الرب در واقع اشاره به همان معنا دارد. مگر اینکه بگوییم رجوع الی الرب به معنای قیامت نیست؛ یعنی «ملاقو ربهم» را

کنایه از بعث و قیامت بدانیم و بگوییم متعلق ظن در جمله اول مسأله قیامت و حساب و کتاب باشد، و «إلیه راجعون» که در جمله دوم آمده را به معنای قرب بگیریم. این جمله‌ای که گفته می‌شود «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، در تفسیر این جمله بعضاً کسانی که بیشتر مشرب عرفانی دارند، می‌گویند «انا لله» اشاره به قوس نزول دارد و «إنا الیه راجعون» اشاره به قوس صعود دارد؛ یعنی انسان دو حرکت دارد، یک حرکت نزولی و در قوس نزول که از منشأ و مبدأ اعلی وجود را می‌گیرد و از آنجا به عالم ماده می‌آید که نازل‌ترین مرحله عالم وجود است، و بعد یک قوس صعود دارد که از این عالم ماده خودش را بالا می‌کشد و به جایی می‌رسد که به خداوند تبارک و تعالی نزدیک می‌شود. البته برخی در این قوس صعود موفق هستند و برخی از این توفیق بهره نمی‌برند. بله، اگر بگوییم آنها ملاقو ربهم ای آنها بیعتون، یعنی روز قیامت پیش می‌آید و اینها در آن روز مبعوث می‌شوند، و خداوند را می‌بینند بدین معنا که او را در مقام محاسبه و مجازات ملاقات می‌کنند؛ یعنی قیامت را می‌بینند و محاسبه و مجازات اعمال خود را. آن وقت «إلیه راجعون» را بگوییم اشاره به بعث و قیامت ندارد بلکه مشیر به همان مسأله مقام قرب و محمود الهی است.

معنای دوم همان است که در احتمال پنجم گفتیم، که به معنای مقام قرب الهی باشد. «يَطُئُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ»، یعنی اینها یقین دارند که به مقام قرب الهی می‌رسند؛ خاشعین کسانی هستند که یقین به قرب الهی دارند؛ یقین دارند که به این مقام می‌رسند.

نتیجه

در بین این احتمالات نه‌گانه، این احتمال به نظر می‌رسد از سایر احتمالات اولی باشد. اگر این معنا را در نظر بگیریم، این معنا درست است و دیگر مستلزم تکرار نیست؛ «أنهم إلیه راجعون» به همان معنای قیامت و رجوع به خداوند در روز قیامت است، این هم به معنای قرب و دیگر تکرار پیش نمی‌آید. اما باید ببینیم این خودش یک معنای حقیقی است یا مجازی؛ یعنی اگر گفتیم «ملاقو ربهم»، ملاقات الرب الزاماً در اینجا به معنای همان نزدیکی و قرب به حق تعالی است؛ چون ملاقات به معنای اتصال جسمانی و وصال جسمانی که اصلاً اینجا امکان ندارد. پس ملاقات در اینجا یعنی انسان تا آنجایی که ممکن است و امکان آن وجود دارد، به خدا نزدیک شود؛ و چون نزدیکی جسمی برای بشر نسبت به خدا معنا ندارد، این نزدیکی می‌شود همان مقام عندالله و مقام قرب و محمود. شاید در بین این احتمالات، این احتمال از بقیه قوی‌تر باشد. بنابراین اینکه می‌گوییم «يَطُئُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» در حقیقت آنها یقین دارند به مقام قرب و اینکه به این مقام می‌رسند. البته این بحث ادامه که باید در جلسه آینده به آن رسیدگی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»